

بررسی نقش مایه‌های سنگ‌نگاره آسو در شهرستان بیرجند

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۲۰

سارا صادقی^۱

حمیدرضا قربانی^۲

حسن هاشمی زرج‌آباد^۳

چکیده

سنگ‌نگاره‌ها یا هنر صخره‌ای، یکی از کهن‌ترین آثار تاریخی و هنری به‌جای مانده از بشر هستند. این نقوش از جمله هنرهایی هستند که در نقاط مختلف ایران پراکنده‌اند و هر یک نشانی از دنیای باستان دارند. این پژوهش، به بررسی و مطالعه سنگ‌نگاره‌های آسو پرداخته است. سنگ‌نگاره‌های نویافته آسو در ناحیه‌ای کوهستانی به فاصله ۳۰۰ متری در جنوب روستای آسو در شهرستان بیرجند، در استان خراسان جنوبی قرار دارد. روش بررسی نگاره‌ها، پیمایشی بوده که از تک تک نقوش عکس‌برداری و سپس طراحی صورت گرفته است و در روش کتابخانه‌ای به بررسی تطبیقی نقوش با دیگر سنگ‌نگاره‌های ایران پرداخته شده است. اهداف اصلی پژوهش شامل معرفی و بررسی نقوش (پوشش گیاهی و جانوری)، بررسی تطبیقی و تشابهی نقوش با دیگر نقاط و گاهنگاری پیشنهادی براساس شواهد موجود است. نقوش یافت شده در این محوطه شامل ۵۱ نقش که در برگیرنده نقوش؛ حیوانی، انسانی، نمادین و ابزارآلات است که اغلب به صورت تک‌نگاره و گاه مجموعه‌ای بوده که در خلق این نقوش از روش کوبشی استفاده شده است. با بررسی‌های انجام گرفته می‌توان پی برد که نقوش مورد نظر از نظر کیفی

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند

sara_sadeghi809@yahoo.com

۲. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند

ghorbani.hr@birjand.ac.ir

۳. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند

hhashemi@Birjand.ac.ir

و کمی با دیگر نقوش یافت‌شده در دیگر مناطق ایران و خارج از مرزهای کنونی ایران، قابل بررسی و تحلیل هستند. واژگان کلیدی: سنگ‌نگاره آسو، نقوش حیوانی، نقوش انسانی، نقوش نمادین.

مقدمه

هنر صخره‌ای^۱ را مجموعه‌ای از نقاشی‌ها و طرح‌ها بر سطوح صخره‌ها و سنگ‌ها دانسته‌اند (آناتی، ۱۳۸۳: ۱۱۳). این هنر که تقریباً در تمام نقاط جهان یافت می‌شود، گنجینه‌ای از اطلاعات ارزشمند درباره روند رشد فکری بشر است. صخره‌نگاره‌ها، هنر صخره‌ای و یا به مفهوم رایج و متداول در میان باستان‌شناسان، "باستان‌شناسی هنر صخره‌ای"^۲ از جمله شواهد فوق‌العاده مهم در حوزه مطالعات باستان‌شناختی و رشته‌ها و دانش‌های خویشاوند دیگر است. در بیش از ۱۲۰ کشور جهان، گروه‌های انسانی نمونه‌هایی از نقاشی یا کنده‌کاری صخره‌ای از خود به‌جا گذاشته‌اند (آناتی، ۱۳۷۷: ۱۰). در این میان شبه‌قاره هند به‌مثابه یکی از خاستگاه‌های کهن هنر صخره‌ای، جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. نقوش صخره‌ای با وجود شباهت‌های فراوانی که از لحاظ موضوع نقوش که اغلب صحنه شکار، نبرد و تک‌نگاره بزکوهی را در برمی‌گیرند و از لحاظ فن^۳ اجرا، به‌صورت کنده و به‌روش کوبه‌ای است که با زدن ضربه روی سنگ، به‌وسیله‌ی شی‌ای سخت و محکم و با عمق بسیار کم ایجاد شده‌اند. موضوعات سنگ‌نگاره‌ها متأثر از شرایط جغرافیایی، فرهنگی و زیست‌محیطی هر منطقه هستند. امروزه نقوش صخره‌ای با قدمتی که دارای طیف گسترده‌ای است، از دوره پارینه‌سنگی تا دوره معاصر را شامل می‌گردد (رضایی و جودی، ۱۳۸۹: ۳). در واقع، سنگ‌نگاره‌ها از مستندترین مدارک

1. Rock Art

2. The Archaeology of Rock Art

۳. نقوش صخره‌ای در جهان به سه دسته تقسیم شده‌اند؛ این تقسیم‌بندی به آثار ایران هم قابل تعمیم است: ۱- پیکتوگراف (hpartotcip) یا رنگ‌نگاره: شامل نقاشی، طراحی، اندودرنگ و . . . ۲- پتروگلیف (hpylgorcep) یا کنده‌نگاره: آن‌چه که از طریق کندن، شکاف دادن، نقر، ساییدن، خراشیدن یا خرد کردن نمادین سنگ، از درون سنگ بریده شده است. ۳- ژئوگلیف (hpylgoeg): یا پدیده‌ها و برجستگی‌های طبیعی زمین، که به نحوی به دست انسان تغییر یافته و مورد استفاده برداشت‌های ذهنی او قرار گرفته است، اعم از هنر یا آئین و یا قوانین و آداب اجتماعی و گروهی (کریمی، ۶۸۳۱: ۱۲).

در نمایش مفاهیم باستان‌شناسی اجتماعی (مانند پیوندهای فرهنگی و روش‌های زیستی و ...)، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی محسوب می‌شوند (رشیدی‌نژاد، دلفانی و مصطفی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۶۶). تا سال ۱۹۶۷ میلادی (۱۳۴۵ ش.) هیچ نقش صخره‌ای نه‌تنها در خراسان، بلکه در هیچ نقطه‌ای ایران یافت نشده بود، اما از آن زمان تاکنون مطالعات زیادی انجام گرفته و گزارشات فراوانی در خصوص نقوش صخره‌ای در نقاط مختلف کشور ارائه شده است. در بررسی‌های باستان‌شناسی سال‌های اخیر خراسان جنوبی، نقوش صخره‌ای زیادی شناسایی گردیده است. در این پژوهش به بررسی و مطالعه نقش‌مایه‌های سنگ‌نگاره آسو در استان خراسان جنوبی پرداخته شده است. اهداف اصلی پژوهش شامل: ۱. معرفی و بررسی نقوش سنگ‌نگاره آسو؛ ۲. مطالعات انسان‌شناسی در مورد نقوش؛ ۳. مطابقت نقوش با شرایط اقلیمی (پوشش گیاهی و جانوری)؛ ۴. بررسی تطبیقی و تشابهی نقوش با دیگر نقاط؛ ۵. گاه‌نگاری پیشنهادی براساس شواهد موجود است.

پیشینه مطالعاتی

آغاز پژوهش‌ها و مطالعات هنر نقوش صخره‌ای استان خراسان جنوبی توسط جمال رضایی و صادق کیا در سال (۱۳۳۰ ش.) با عنوان "گزارش نوشته‌ها و پیکره‌های کال جنگال" در زمینه‌ی قرائت کتیبه‌های اشکانی کال جنگال گام‌هایی برداشته شد (رضایی و کیا، ۱۳۳۰)، در سال ۱۳۷۱ لباف خانیکی و بشاش (۱۳۷۳: ۴-۵) سنگ‌نگاره‌های لآخ مزار بیرجند را مورد مطالعه و بررسی قرار دادند و گزارش بررسی خود را در مقاله‌ای با نام "سنگ‌نگاره‌های لآخ مزار بیرجند" را به چاپ رسانیدند و در خصوص این محوطه ذکر کردند: این نقوش در مجاورت روستای کوچ در فاصله ۲۹ کیلومتری جنوب شرقی بیرجند واقع است. نقوش آن شامل مضامین انسانی، حیوانی، گیاهی، نشانه‌ها و نمادهایی از مظاهر طبیعت است که مجموع نقوش و کتیبه‌ها شناسایی شده ۳۰۷ مورد را دربرمی‌گیرد. اتفاقی (۱۳۹۲) در سال ۱۳۹۲ سنگ‌نگاره‌های چاه‌چشمه فردوس را در شمال استان خراسان جنوبی مورد بررسی قرار داد. در تابستان سال ۱۳۹۱ پروژه "بررسی باستان

شناسی بخش شوسف نهبندان" توسط هاشمی زرج‌آباد انجام گردید که منجر به کشف تعداد کثیری از محوطه‌های پیش از تاریخی تا اواخر دوران اسلامی و مراکز کهن ذوب فلز گردید؛ همچنین برای نخستین بار کشف چندین سنگ‌نگاره با موضوعات مختلف در منطقه مورد بررسی نیز از اهم دستاوردهای این پروژه باستان‌شناسی می‌باشد (هاشمی زرج‌آباد، ۱۳۹۱). در این راستا و در ادامه طرح پژوهشی خود، ایشان مقالاتی را ارائه داد. در سال ۱۳۹۲ در مقاله‌ای تحت عنوان "معرفی و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های نویافته بخش شوسف نهبندان"، و در سال ۱۳۹۲ (۲۰۱۳ م) هاشمی زرج‌آباد در مقاله‌ای لاتین با عنوان "Investigation in Newly Recovered Reliefs From Nehbandan in The Province of Southern Khorasan" با همکاری عباد تقوی و سامان فرزین به معرفی و تحلیل نقوش حک شده در دو محوطه تنگه پنجه شیر و دره انجیر پرداختند. در تابستان ۱۳۹۲، برای اولین بار جامع‌ترین طرح پژوهشی روشمند استان خراسان جنوبی در خصوص مطالعات باستان‌شناسی - انسان‌شناسی سنگ‌نگاره‌های خراسان جنوبی توسط حمیدرضا قربانی انجام شد (قربانی، ۱۳۹۲).

روش کار

پژوهش حاضر مبتنی بر روش پیمایشی انجام گرفته و ابزار گردآوری اطلاعات، مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی میدانی است. در روش میدانی طی بررسی روشمند و به صورت پیمایشی محوطه شناسایی گردید، سپس عکس‌برداری از نقوش به صورت مجموعه‌ای و سپس تکی صورت گرفت؛ در نهایت نقوش با استفاده از برنامه‌های تصویری - رایانه‌ای طراحی شده و متعاقباً داده‌ها به رایانه انتقال داده شد. مرحله‌ی آخر یعنی بخش اصلی کار، تمامی طرح‌های شاخص مورد بازنگری، مقایسه و مورد تطبیق واقع گردید.

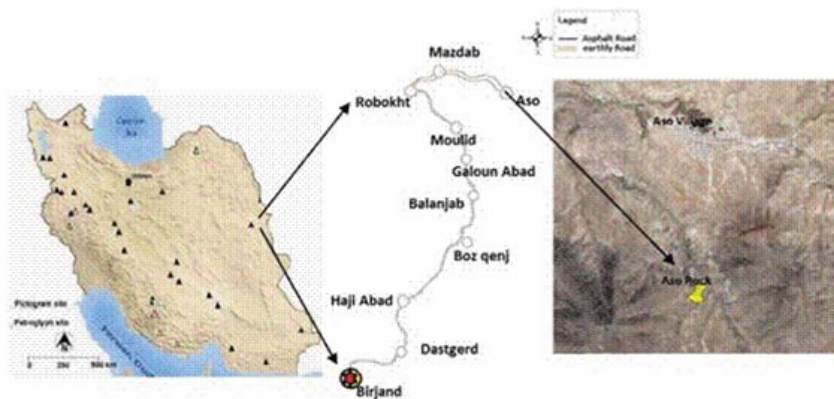
موقعیت جغرافیایی سنگ‌نگاره آسو

سنگ‌نگاره آسو، در حدود سیصد متری جنوب آسو در بالای تپه‌ای مشرف به مزرعه بوشادی است (نقشه ۱). موقعیت جغرافیایی آن "۳۳°۱۲'۲۳۱" شمالی و

"۰۵۹°۲۵'۸۲۲" E شرقی و در ارتفاع ۲۰۸۹ متری از سطح دریا واقع شده است (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۴۹) (تصویر ۱). به گفته اهالی روستا مهمترین اثر باستانی آسو، قبرستان قدیمی آن است که متعلق به چندین نسل پیش است و نشانه‌ای از حیات و زندگی کهن در این روستا است. این قبرستان که در حال حاضر جزو آثار باستانی به‌شمار می‌رود و در چندین سال پیش به ثبت رسیده، واقعاً دیدنی و حیرت‌انگیز با قبرهائی سه یا چهار طبقه است که در ورودی روستا قرار دارد. قنات‌ها و کلاته‌های روستا شامل معراج، چشمه سیکی، چهکنند، روزبه، زرچ، کلاته بوشادی و غیره است. از مشاغل روستا در وهله اول کشاورزی است اما، در چند سال اخیر، افزایش قیمت زرشک و برداشت زیاد این محصول تعداد زیادی را به سوی تجارت این محصول کشانده است و شاید علت اصلی حفظ جمعیت در این روستا همین بوده است. از دیگر مشاغلی که از دیرباز در این روستا وجود داشته آسیابانی، گبه‌بافی و گیوه‌جینی بوده است (همان: ۱۴۸-۱۴۹).

نقوش صخره‌ای سنگ‌نگاره آسو مجموعه‌ایست از نقوش حیوانی، انسانی، نقوش نمادین و ابزارآلات. نقوش حک شده بر تخته سنگ بزرگ و سیاه‌رنگی قرار گرفته که از جنس سنگ‌های آذرین است. نقوش مورد نظر در مساحتی به‌صورت تقریبی هفت متر مربع ترسیم شده است. از مجموع نگاره‌ها، ۴۶ درصد نگاره‌های جانوری را دربرمی‌گیرد که شامل نقوش زیر است: بز هشت نقش، شتر (بدون سواره) یک نقش و (با سواره) سه نقش، اسب (بدون سواره) سه نقش و (باسواره) نه نقش، سگ‌سانان دو نقش و شش نقش حیوانی نامشخص که به‌دلیل فرسایش سنگ و گذشت زمان، نقش آسیب دیده و تشخیص آن غیرممکن است. نگاره‌های انسانی، ۲۷ درصد از کل مجموعه را به خود اختصاص داده است که شامل موارد زیر است: نقوش انسانی در حال انجام مراسم آیینی و نمایشی، در چرا، در حال نبرد و همراه با نقوش نمادین که شامل ۱۸ نقش است. نقوش هندسی که در مجموع آن‌ها را می‌توان نقوش سمبلیک نامید، ۱۴ درصد از کل مجموعه را دربرمی‌گیرد که شامل: صلیب شکسته سه نقش، نعل اسب چهار نقش، نقشی شبیه دایره با یک نقطه متداخل سه نقش و نقوش نامشخص با ۹ درصد و نقوش

ابزارآلات که تنها یک نقش یافت شده بود، از کل مجموعه نقوش سنگ‌نگاره آسو را شامل می‌شود (نمودار ۱).



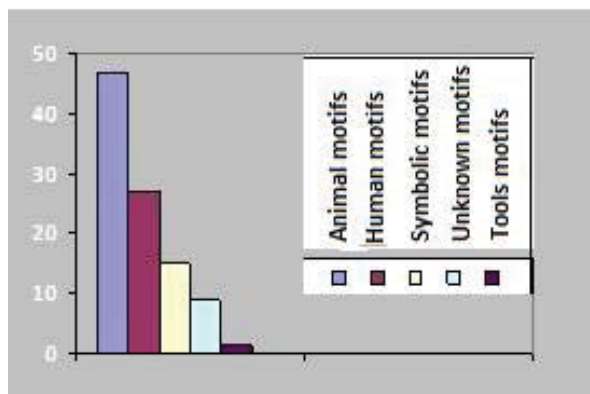
نقشه (۱) موقعیت جغرافیایی سنگ‌نگاره آسو (نگارندگان، ۱۳۹۴).



تصویر (۱) نمای کلی از محوطه سنگ‌نگاره آسو (قربانی، ۱۳۹۲).

نگاره‌های حیوانی

نقوش حیوانی در سنگ‌نگاره آسو شامل ۳۲ نقش است. نگاره‌هایی مانند بز، اسب، شتر و سگ‌سانان را در برمی‌گیرند. نقش اسب و بزکوهی با درصد بالایی نسبت به سایر نقوش حیوانات در رأس قرار می‌گیرند. تمامی نگاره‌های حیوانی به سبک کنده‌کاری ایجاد شده است. در نگاره‌های جانوری آسو، تنوع چشمگیری در سبک کار و گونه‌های جانوری وجود دارد که اغلب این نقوش در سفال‌های پیش از تاریخ (هزاره‌ی چهارم بویژه سفال حصار I و سیلک III) شناخته شده هستند. البته نباید فراموش کرد که گاهی این تشابهات نشان از دوام فرهنگی دارد، نه همزمانی نقوش.

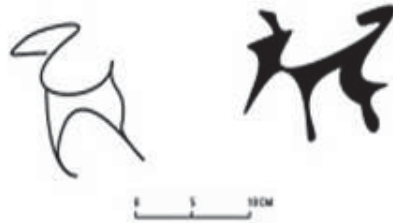


نمودار ۱) درصد نقوش به‌دست آمده از سنگ‌نگاره آسو (نگارندگان، ۱۳۹۴).

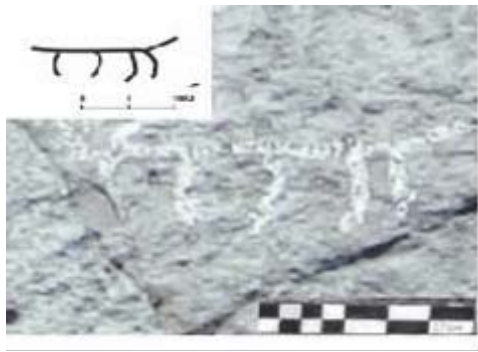
نقش بز

نقش بز در آسو دارای تنوع زیادی به لحاظ ریخت‌شناسی است، این تنوع را در شاخ‌ها به صورت چشمگیر و با اغراق و بزرگتر از بدن حیوان می‌توان مشاهده کرد. بعضی اوقات در این نقوش، بدن بزها به صورت خطی (استیلیزه) نمایش داده شده است. هیچ اثری از نقوش سه‌بعدی به چشم نمی‌خورد. این نقوش با حداقل خطوط و در ساده‌ترین و گویاترین شکل ممکن بر روی تخته‌سنگ آسو، از روش کنده‌کاری تصویر شده است. یکی از نگاره‌های این حیوان که بسیار ساده و به صورت خطی ترسیم شده که به دور

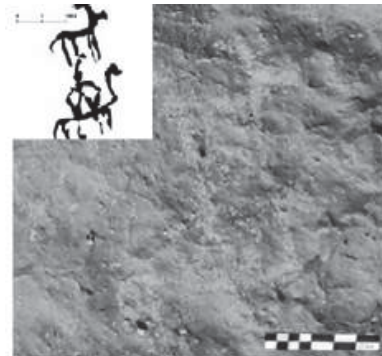
از هر نوع نقش است و در نوع خود بسیار جالب است (تصویر ۲). از نمونه‌های جالب نقوش در آسو نقش بزی را نشانگر است که در حال فرار از دست حیوان (احتمالاً گرگ) است. نکته قابل توجه در این نقش حالت حرکت پاهای حیوان است که در این نقش به طرز جالبی رعایت شده است (طرح ۱). بز در اساطیر ایران باستان نیز یکی از نمادهای مشخص آبادانی و فراوانی است و نماد آب نیز بوده است که وجود آب خود منشأ فراوانی و آبادانی است (صمدی، ۱۳۶۷: ۴۹). از دیگر نمونه‌های حک شده این حیوان نگاره انسانی است که سوار بر اسب و در حال شکار بزکوهی است (تصویر ۳). شباهت چنین نقشی با نقش‌های ساسانی قابل مقایسه است (تاجبخش و جمالی، ۱۳۷۴: ۲۴) (تصویر ۴). در میان نگاره‌های آسو صحنه بسیار جالب حک شده است که مربوط به صحنه‌ی نبرد حیوانات باهم است (طرح ۲). نبردی میان بزهای کوهی است به طوری که شاخ‌هایشان باهم برخورد کرده است، چنین نقشی قابل مقایسه با نقوش سنگ‌نگاره جاجرم است (Vahdati, 2012: 150) (طرح ۳). در دوران پیش از تاریخ، نگاره‌های بزکوهی بر سنگ‌ها نقاشی و حک می‌شد و سفال‌گران شوش همواره قرص ماه یا دیگر نگاره‌های نمادین را میان شاخ‌ها و تنه بزکوهی می‌نهادند و تعداد زیادی از آب‌خوری‌های سفالین شوش در هزاره‌های سوم و چهارم، غیر از حاشیه نقشی جز این ندارند. بی شک هویت نقوش چهارپایان ایران، متأثر از شرایط زیست‌محیطی، فرهنگی و آیین این مردم است. می‌توان گفت برخی پدیده‌های هنری از شرایط اجتماعی نحوه زندگی و معاش مردم دوران خود متأثر بوده و نشان‌گر اهمیت بعضی موجودات و موضوعات در طبیعت اطراف اقوام سازنده آن می‌باشد (افضل‌طوسی، ۱۳۹۱: ۵۶). حدود ۳۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰ نقش بر دل کوه‌ها و غارها حجاری شده است که به‌جرات می‌توان گفت فراوان‌ترین نقش یافته شده در سنگ‌نگاره‌ها، بزکوهی بویژه بز کوهی نر، با شاخ‌های بزرگ و کشیده به سبک‌های گوناگون است که در غالب صحنه‌ها خودنمایی می‌کند (فرهادی، ۱۳۷۷: ۱۳۰).



طرح (۱) نقش بزکوهی در حال فرار از یک حیوان وحشی (گرگ)، سنگ‌نگاره آسو (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۵۲).



تصویر (۲) نگاره منفرد بز در سنگ‌نگاره آسو (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۵۱).



تصویر (۳) نقش بزکوهی در حال شکار توسط انسان سوارکار در سنگ‌نگاره آسو

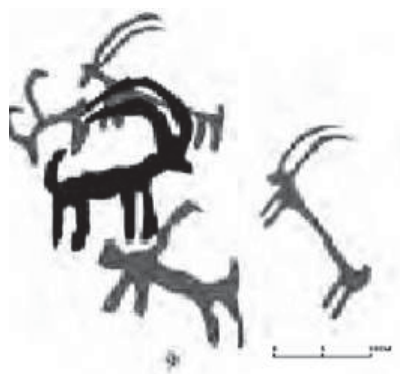
(قربانی، ۱۳۹۲: ۱۵۳).



تصویر ۴) بشقاب سیمین دوره ساسانی، با نقش شکار بزکوهی (تاجبخش و جمالی، ۱۳۷۴: ۲۴).



طرح ۲) نقش بزهای کوهی در حال نبرد در سنگ‌نگاره آسو (مأخذ: قربانی، ۱۳۹۲: ۱۵۲).



طرح ۳) نقش نبرد بزهای کوهی با دیگر حیوانات در جاجرم (Vahdati, 2012: 150).

نقش اسب

از دیگر نقوش حیوانی مورد بررسی، نقش اسب است. نقوش در مجموع همراه با سوارکاران در مراسم مختلفی (شکار، نبرد، سوارکوبی، مسابقه و غیره) را شامل می‌شود که تماماً از روش کنده استفاده شده است (طرح ۴). سنت نمایش مردان اسب‌سوار حتی تا زمان‌های اخیر نیز ادامه یافته است و می‌توان چنین عناصری را در نقوش سنگ قبرهای اواخر سده نوزدهم در بیستون و در هنر عشایری نیز مشاهده کرد. اسب در خاورمیانه و مصر و هندوستان، پس از حملات طوایف آریایی از استپ‌های شمالی، در دومین هزاره‌ی پیش از میلاد شناخته شد و آنان از آن به‌وسیله‌ی اسب کشیده می‌شد، به کار می‌بردند (هال، ۱۳۹۰: ۲۴). چنین نقش‌هایی قابل مقایسه با سنگ‌نگاره مرزبانیک بلوچستان در جنوب شرق ایران است (Moradi & et al, 2013). در خراسان اسب مورد توجه خاص مردمان این سرزمین پهناور می‌باشد. در شمال منطقه و تا حدودی سبزواری، نمایش موسیقایی به نام "نمایش اسب چوبی" اجرا می‌شود. این نمایش ریشه‌های قوی حماسی و اسطوره‌ای در خود نهفته دارد و موسیقی جزو لاینفک آن به‌شمار می‌رود. در نمایش موسیقایی اسب چوبی، رقصنده یا چوب باز در حالی که شمشیری به‌دست دارد در داخل اسب چوبی قرار می‌گیرد و با نوای سرنا و دهل نوازندگان محلی به حرکات نمایشی خاصی می‌پردازد. در این نمایش موسیقایی، اسب چوبی با پارچه‌های رنگارنگ تزئین و پوشیده شده است و رقصندگان یا چوب‌بازان، گرداگرد اسب چوبی با او به چوب بازی می‌پردازند (صالح‌پور، ۱۳۸۶: ۱۵۹).



طرح ۴) نقش اسب در سنگ‌نگاره آسو (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۵۱-۱۵۲).

نقش شتر

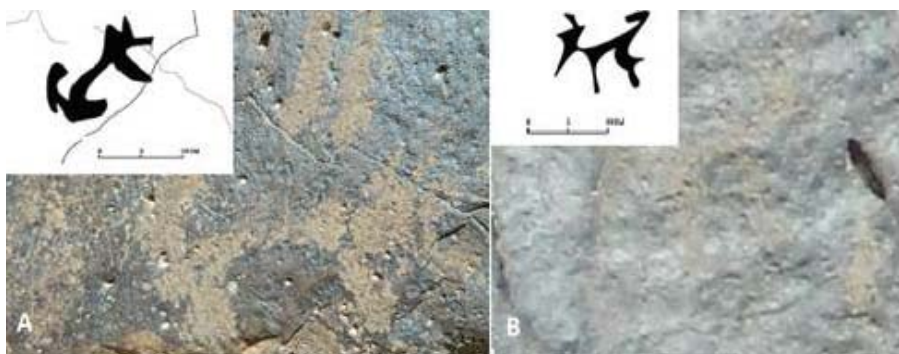
پرورش شتر در گذشته در مناطق مختلف کشور از دیرباز وجود داشته و مردم کشورمان بویژه ساکنین مناطق بیابانی و نیمه بیابانی کشور به جهت امکانات اقلیمی و شرایط جغرافیائی و بافت فرهنگی روستاها به پرورش شتر اشتغال داشته و البته بیشتر از شتر در جهت حمل کالا و ایاب و ذهاب استفاده می‌نموده‌اند. نقش شتر در سنگ‌نگاره‌های آسو، چهار نقش است که شامل نقوش شتر دو کوهانه (سه نقش) و شتر یک کوهانه (یک نقش) که هر چهار نقش به روش کنده‌کاری هستند. در یک نقش بدون سواره و سه نقش سوارکار در یک صحنه‌ی مسابقه، به طرز بسیار زیبایی هیجان را به بیننده القاء می‌کند (طرح ۵). بر طبق تشابهات این نقوش در این چند محوطه، فرضیه‌ی مورد نظر ما بر این پایه که تنوع گیاهی و اقلیم مورد نظر در خراسان جنوبی بر وجود شتر در این منطقه بوده و نقوش موجود بر روی سنگ‌های آسو نیز از این فرضیه تبعیت می‌کند. بنابراین این حیوان، یا برای شکار و پشم و یا برای شترسواری که از ویژگی‌های کاروان‌های آسیای مرکزی است مورد استفاده بوده است (پیردیگار، ۱۳۸۵: ۱۸۲).



طرح ۵) نقش شتر در سنگ‌نگاره آسو (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

نقش سگ‌سانان

از جمله نقوش کمیاب و محدود شناسایی شده در آسو که به روش کنده‌کاری نقر شده، نقش سگ‌سانان است. این نقوش شامل یک سگ و یک گرگ است. گونه نقش سگ را با توجه به اندام نقش (گوش، دم و بدن) می‌توان شناسایی کرد که اغلب دارای دم رو به بالا و گوش‌های تیز هستند. از این نوع سنگ امروزه هم در جنوب شرق ایران به وفور یافت می‌شود و گاهاً چوپانان برای حفاظت از گله گوسفندان خویش از این نوع سنگ استفاده می‌کنند. این نقوش با نقش ظروف سفالی دوران پیش از تاریخ ایران از یک طرف و نقوش صخره‌ای که در سایر نقاط ایران از جمله سیستان و بلوچستان و خمین و گلپایگان یافت شده‌اند از طرف دیگر، قابل مقایسه هستند (تصویر ۵، A).
دومین نقش از رده‌ی سگ‌سانان نقش گرگ است. نقش گرگ، حیوانی که عمدتاً شهرت بدی دارد، نماد درنده‌خویی و بی‌رحمی است (هال، ۱۳۹۰: ۲۰). این نقش نیز جز کمیاب‌ترین نقوش جانوری یافت شده در آسو است که بسیار ساده و با بدنی حجیم نمایش داده شده است (تصویر ۵، B)






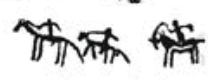






تصویر ۵) A: نقش سگ در سنگ‌نگاره آسو (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۵۱).

B: نقش گرگ در سنگ‌نگاره آسو (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۵۱).

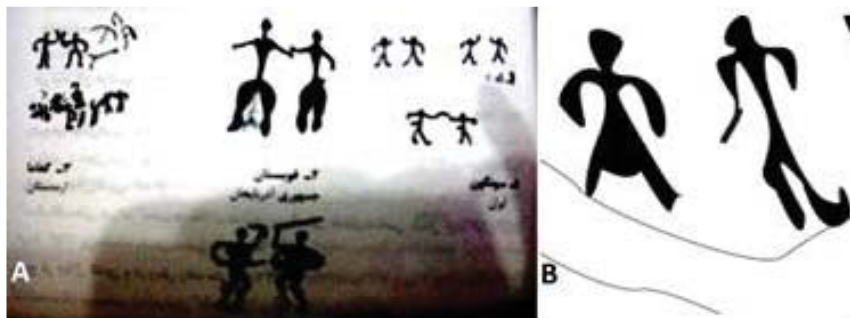
نقوش انسانی

نگاره‌های انسانی نسبت به نقوش حیوانی در اقلیت هستند و همانند دیگر نقوش به صورت تک‌نگاره یا صحنه‌ی روایی نمایش داده شده است. در بین نگاره‌ها، ۱۸ نقش

انسانی کاملاً مشخص در آسو مورد شناسایی قرار گرفت. تمام نقوش انسانی یافت شده به سبک خطی و کاملاً ابتدایی به نمایش درآمده است. نقش انسان در تک‌نگاره‌ها نسبتاً محدود است و با حضور در یک صحنه‌ی روایی و موضوعی (انسان سواره، در حال شکار و در صحنه‌ی نبرد) است. تک‌نگاره‌های انسانی در این منطقه با خط‌های بسیار نازک و وضعیت نقر پاها به صورت باز، بالاتنه به صورت یک خط و سر و گردن به صورت یک دایره نمایش داده شده است. با توجه به خطی بودن و کلی بودن نگاره‌ها، تشخیص جنسیت نقوش انسانی به راحتی امکانپذیر نیست (طرح‌های ۴، ۵ و ۶) نقش‌های انسانی سنگ نگاره آسو، قابل مقایسه با دیگر نگاره‌های یافت شده در ایران است (طرح ۶). لذا با توجه به نوع صحنه‌ها و عدم نمایش حالات زنانه به جز یک نقش، به نظر می‌رسد نگاه‌ها عمدتاً مرد باشند. در میان نگاره‌ها، نقش زن و مردی است که از روبه‌رو نمایش داده شده است و در دست مرد یک شیء شبیه به چوبدستی قرار دارد (طرح ۷). این نقش را می‌توان از نقوش شمن‌گرایی دانست. شمن‌گرایی به نوعی مناسک و اعمال نیمه جادویی اطلاق می‌شود که در آن شمن‌ها، از طریق رفتارها، دعاها و استفاده از بعضی مواد مخدر ادعا می‌کنند که می‌توانند نه تنها بین جهان زندگان و جهان درگذشتگان، بلکه با جهان‌های موازی دیگر رابطه ایجاد کنند. شمن‌گرایی هنوز هم در چند نقطه از سیبری وجود دارد و در آسیای مرکزی و حتی ایران نیز توانسته است تداوم خود را حفظ کند. در حال حاضر حداقل در سه منطقه از ایران، ترکمنستان، آذربایجان و حتی در سواحل خلیج فارس وجود دارد. نقش دوقلوهای سونگون، در قوبستان (جمهوری آذربایجان)، گاما (ارمنستان) و دره مانیکا (ایتالیا) وجود دارد که در مجموعه قوبستان تصاویری که به شمن‌ها تعلق دارند تأیید شده است (رفیع‌فر، ۱۳۸۴: ۱۴۷-۱۵۱). شاید بتوان نقوش دوقلوی موجود در سنگ‌نگاره آسو را به نقوش ذکر شده در بالا تشبیه کرد و مربوط به مراسمی از شمن‌گرایی دانست.

Iran/Aso			Iran/Teimareh
Iran/Aso			Iran/Marzbani
Iran/Aso			Iran/Jorbat
Iran/Jorbat			Iran/Aso
Armanestan/Geqama			Iran/Aso

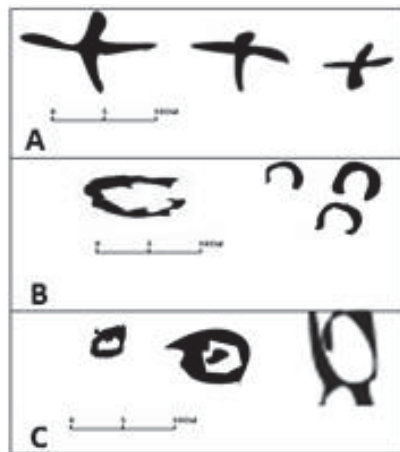
طرح ۶) جدول نگاره‌های انسانی در سنگ‌نگاره آسو و تطبیق آن با دیگر نقاط (نگارندگان، ۱۳۹۴).



طرح ۷) A: نقش دوقلوهای سنگ‌نگاره‌های مناطق گگاما (ارمنستان)، قوبستان (جمهوری آذربایجان)، سونگون (ایران) (رفیع فر، ۱۳۸۴: ۱۸۱). B: صحنه دوقلوی سنگ‌نگاره آسو (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

نقوش نمادین

در مورد نگاره‌های حیوانی و یا انسانی، با توجه به مطالعات باستانی مردم‌شناسی می‌توان پی به هدف به نمایش درآمدن نقش برد، اما در خصوص نگاره‌های نمادین به راحتی این امکان وجود ندارد، لیکن با توجه به وجود نگاره‌های این منطقه و مقایسه آن با سایر نقاط، تا حدی می‌توان به کیفیت نقش پی برد. نقش‌های نمادین یافت شده در آسو شامل نقوش دایره مانند، نعل اسبی و صلیب شکسته است. نقش دایره در آسو سه نقش و یک نقش دایره با یک نقطه متداخل به نمایش درآمده است (طرح ۸). نقش صلیب شکسته در آسو سه نقش است. اسواستیکا که در فرهنگ ایران باستان به خورشید گردون معروف است که مسیر آن از طریق آسمان نشان داده است، در سنسکریت به معنای خوشبختی و دارای پیشینه‌ی تاریخی گسترده است. این نقش بر روی سکه‌های یونانی نیز به چشم می‌خورد (هال، ۱۳۹۰: ۵). نقش بعدی نقش نعل اسبی است که به تعداد چهار نقش به نمایش درآمده است. نعل اسب نماد حفاظت دوره‌ی قرون وسطی است و آن را از آن زمان، روی درب بسیاری از بناها می‌گذارند و به عنوان حرز و تعویذ نیز به کار می‌رود و اصل و منشأ آن نامعلوم است. محبوبیت آن به عنوان نماد خوشبختی، تکاملی تازه است (همان: ۱۸۸).



طرح ۸) نگاره‌های نمادین در سنگ‌نگاره آسو (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۵۲-۱۵۳).

نقش مایه‌های اشیاء و ابزارآلات

نقش مایه‌های اشیاء و ابزارآلات سنگ‌نگاره آسو یک چوبدستی است که در دست نقوش انسانی قرار دارد. این تصویر در انتهای تخته‌سنگ آسو به نمایش درآمده است که صحنه آیینی خاصی را تداعی می‌کند (طرح ۹).



طرح ۹) نگاره انسانی همراه با ابزارآلات (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۸۱).

ویژگی‌های شاخص نگاره‌های صخره‌ای آسو

صحنه‌های نمایشی آسو در برگزیده نقش مایه‌های انسانی و حیوانی و نمادین خاصی است. این صحنه‌های نمایشی، موضوعاتی از قبیل شکار، چراگاه، آیینی و غیره را شامل می‌شود که اغلب صحنه‌های انسانی و حیوانی به صورت تلفیقی صحنه‌های چشمگیری را به نمایش گذاشته‌اند که به آن اشاره شده است. مشخص‌ترین ویژگی این دسته از نقوش، نیم‌رخ بودن نگاره حیوانی و تمام‌رخ بودن نگاره انسانی است. برای نمایش این نقوش از حداقل خطوط استفاده شده و نقوش به صورت بسیار ساده و بدون نمایش حجم ارائه شده است. نگاره‌های آسو تماماً روی صخره و لوح‌های صاف ایجاد گردیده است. نکته جالب نقوش، تسلط نسبی به دشت پیرامونی است. از همه مهم‌تر همانندی چشمگیر میان سبک کاری این یافته‌ها (روش شماتیک) است، بویژه نمونه‌های جانوری با نقوش سفال‌های پیش از تاریخ می‌تواند گویای برهمکنش فرهنگ‌های یکجانشین

و کوچرو، یا در مواردی خاستگاه یکسان آن‌ها باشد. برای نمونه می‌توان به زندگی دامداری و و کشاورزی در جنوب مرکزی و جنوب شرقی ایران، که حداقل به هزاره پنجم پیش از میلاد باز می‌گردد، اشاره کرد (Alizade, 2004: 129). همانندی این یافته‌ها با دیگر سنگ‌نگاره‌ها در ایران، قزاقستان، ارمنستان و ... گویای آمد و شد در یک مسیر طولانی‌تر است و تنها به یک کوچ فصلی بین نواحی بلند و پست مانند فارس و خوزستان خلاصه نمی‌شود. افزون بر این، بازتاب نگاه‌های جانوری تنها گویای ارزش خوراکی آن‌ها نیست؛ زیرا همان‌گونه که فرخ‌نیا (۱۳۸۱: ۸۴) به نقل از ریموند فرث آورده: "تعداد زیادی از نیازها، که پایه و اساس زندگی اقتصادی جوامع سنتی را تشکیل می‌دهند، ماهیتی غیرمادی دارند" یا، نماد اقتصادی - اجتماعی‌اند (مشیری، ۱۳۸۰: ۵).

تاریخ‌گذاری

تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌ها به مراتب دشوارتر از تاریخ‌گذاری آثار باستانی است. علت آن، نخست آن‌که این حکاکی‌ها در اغلب موارد سنتی هستند که از کهن‌ترین ایام هنرورزی آدمی تا روزگار ما ادامه یافته‌اند و مهم‌تر آن‌که متأسفانه هنوز راه‌های فنی دقیق و مستقیمی برای تعیین سن این آثار به‌دست نیامده است (حصارنوی، ۱۳۸۱: ۱۸۶). برای تاریخ‌گذاری نسبی سنگ‌نگاره‌ها از راه‌های زیر می‌توان بهره برد: بررسی و تحقیق در نوع حیوانات (وحشی و اهلی با استفاده از تاریخ اهلی شدن حیوانات)، نوع ابزارآلات (شکار و چوپانی نظیر تیر و کمان و تفنگ و نیزه)، نوع پوشش و لباس نگاره‌های انسانی، سبک هنری آن‌ها، نحوه عمق حجاری، کهنگی و جدید بودن اثر نگاره‌ها بر روی صخره، کتیبه و نوشتار و غیره. اما نوع دیگر تاریخ‌گذاری نسبی نقوش، توجه به صحنه‌هاست. صحنه‌های روایی که تداعی‌کننده موضوع خاصی است، چندین نقش را به هم مرتبط می‌سازند. ارتباط این نقش‌ها می‌تواند یک بازه زمانی گسترده را مشخص سازد. مثلاً انسان سوار بر اسب و اسب‌سان، مربوط به زمانی بعد از اهلی شدن اسب است و یا حضور سگ در کنار شکارچی در صحنه شکار، زمانی بعد از اهلی شدن سگ را نشان می‌دهد. این امر در مورد وجود ابزارآلات جنگی در دست جنگجو و ... نیز مصداق

پیدا می‌کند. با توجه به این که در بیشتر سنگ‌نگاره‌های محوطه‌های مورد پژوهش، نقش اسب و سوارکاران نیزه به دست دیده می‌شوند و نظر به این که تاریخ اهلی‌سازی و استفاده از اسب فراتر از عصر آهن را در بر ندارد، لذا تاریخ کهن‌ترین نقوش ایجاد شده با رعایت احتیاط به عصر آهن باز می‌گردد.

نتیجه

بررسی و مطالعه نگاره‌های یافت شده در محوطه‌ی آسو و مقایسه آن با دیگر کنده نگاره‌ها، نشان از یکسان بودن مفاهیم و موضوعات به کار رفته در این نگاره‌هاست. با شناخت این نقوش می‌توان به برخی از مفاهیم انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی مبتنی بر زندگی؛ کوچ‌روی و دامداری دست پیدا کرد. به‌عنوان مثال، ناهمگونی نگاره‌های نمادین، پراکنش نگاره‌ها با وجود بستر موردنیاز برای نگارگری در چشم‌اندازی یکسان، زبان مشترک نگاره‌ها در بیان باارزش‌ترین باورها در ترسیم نقوشی مانند نقش بز که، شکار این جانور، که مبتنی بر شکارورزی است را به نمایش می‌گذارند. نقوش سنگ نگاره آسو، نقوش بسیار ساده و بدون هیچ نوع تزئینی به نمایش درآمده است. نقوشی بررسی شده را می‌توان به دسته‌هایی تقسیم کرد که شامل نقوش حیوانی، انسانی، نمادین و ابزارآلات است که بیشترین نقوش، مربوط به حیوانات گوناگون است. در میان نقوش حیوانی، بیشترین نقش را بزکوهی به خود اختصاص داده است. تمام نقوش به صورت نیم‌رخ حک شده‌اند و نقوش در مجموع به شکلی مسبک اجرا شده‌اند. بزها در حالت نیم‌رخ نشان داده شده‌اند و شاخ آن‌ها دارای انحنایی است که معمولاً به نیم‌دایره نمی‌رسد. افرادی که این نقوش را نقش کرده‌اند دارای ساختار معیشتی برحسب دامداری بوده‌اند که شرایط زندگی آنان در محیط‌های کوهستانی و مخصوصاً در مناطق مرتفع بوده است. در مورد این نقوش حیوانی شاید بتوان این فرضیه را مطرح کرد که پوشش جانوری منطقه، هرچه متنوع‌تر باشد بدون شک بر نوع اقلیم، شرایط زندگی و بر تفکر و حتی عقاید مردمان و ساکنین منطقه اثرگذار است. بدون شک تمام این موارد، تأثیر زیادی را بر نحوه ترسیم و کندن نقوش، نه تنها در ذهن

مردمان امروزی، بلکه بر ذهن نیاکان و انسان‌های پیش از تاریخ نیز داشته است. همانند تفسیر آثار صخره‌ای، ابهامات زیادی نیز در مورد گاهنگاری این آثار وجود دارد. پژوهشگران اغلب از خود نقوشی که به تصویر کشیده شده، به‌عنوان مدرک گاهنگاری استفاده کرده‌اند. از جمله نقش‌هایی که بیشتر مورد سنجش قرار گرفته‌اند، نقش اسب بوده که آن را مربوط به اواخر هزاره دوم و هزاره اول پیش از میلاد می‌دانند. توجه به این نکته ضروری است که هر مجموعه‌ای که دارای نقش اسب بوده ضرورتاً نمی‌تواند دال بر این باشد که قدمتش به دوران مذکور می‌رسد و ما می‌توانیم تنها این فرض را داشته باشیم که نهایت و حداکثر قدمت آن‌ها به این دوران تعلق داشته و نمی‌تواند از این تاریخ، قدیمی‌تر باشد.

منابع

- آناتی، امانوئل (۱۳۷۷). "نوشتن بر دیوار". ترجمه محمد اسکندری. پیام یونسکو، سال بیست و نهم، ش ۳۳۵ (اردیبهشت): ۱۰-۱۶.
- اتفاقی، هاشم (۱۳۹۲). "سنگ‌نگاره‌های چاه‌چشمه فردوس". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، دستاوردها، فرصت‌ها، آسیب‌ها. گردآورنده دانشگاه بیرجند. بیرجند: دانشکده هنر، دانشگاه بیرجند: ۱۵۷-۱۶۹.
- افضل‌طوسی، عفت‌السادات (۱۳۹۱). "گلیم حافظ نگاره بزکوهی از دوران باستان". فصلنامه علمی پژوهشی نگره، سال هفتم، ش ۲۱ (بهار): ۵۴-۶۷.
- ----- (۱۳۸۳). "هنر صخره‌ای". ترجمه مه‌رمان هاشمی. کتاب ماه هنر، ش ۷۱ و ۷۲ (مرداد و شهریور): ۱۱۰-۱۱۹.
- پیردیگار، ژان (۱۳۸۵). مردم‌شناسی انسان و حیوانات اهلی. ترجمه اصغر کریمی. تهران: نشر افکار.
- تاجبخش، هدایت؛ جمالی، سیروس (۱۳۷۴). *نخجیران از آغاز تا امروز*. تهران: موزه آثار طبیعی و حیات وحش ایران.
- حصارنوی، علیرضا (۱۳۸۱). "سنگ‌نگاره‌های دره گنج شهرستان تفت". مجله اثر،

- ش ۳۵ (پاییز): ۱۸۰-۱۸۶.
- رشیدی‌نژاد، مسعود؛ دلفانی، میثم؛ مصطفی‌زاده، نرگس (۱۳۸۸). "معرفی سنگ-نگاره‌های جربت، شهرستان جاجرم". پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال اول، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۱۶۶-۱۷۴.
 - رضایی، جمال؛ کیا، صادق (۱۳۳۰). گزارش نوشته‌ها و پیکرهای کال چنگال. تهران: انجمن ایرانویج.
 - رضایی، مهدی؛ جودی، خیرالنساء (۱۳۸۹). "اشکفت‌نگاره‌های هلوش؛ معرفی، توصیف، تفسیر و گاه‌نگاری". [پیوسته] قابل دسترس در:
<http://anthropology.ir/article/7819> [۱۳۹۴/۱/۲۵]
 - رفیع‌فر، جلال‌الدین (۱۳۸۴). سنگ‌نگاره‌های ارسباران. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده مردم‌شناسی.
 - صالح‌پور، زینت (۱۳۸۶). "اسب در فرهنگ ایرانی". فصلنامه نجوای فرهنگ، سال دوم، ش ۴ (تابستان): ۱۵۵-۱۶۲.
 - صمدی، مهرانگیز (۱۳۶۷). ماه در ایران، از قدیمی‌ترین ایام تا ظهور اسلام. تهران: علمی و فرهنگی.
 - فرخ‌نیا، رحیم (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر مردم‌شناسی. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
 - فرهادی، مرتضی (۱۳۷۷). موزه‌هایی در یاد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
 - قربانی، حمیدرضا (۱۳۹۲). گزارش بررسی و مطالعه باستان‌شناسی و انسان-شناختی نقوش صخره‌ای (سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی). بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی.
 - کریمی، فریبا (۱۳۸۶). "نگرشی نو به کنده‌نگاره‌های صخره‌ای ایران". باستان‌پژوهی، سال دوم، ش ۳ (بهار و تابستان): ۲۰-۳۴.
 - لباف‌خانیکی، رجبعلی؛ بشاش، رسول (۱۳۷۳). سنگ‌نگاره‌های لاخ‌مزار بیرجند: سلسله مقالات پژوهشی. تهران: انجمن آثار ملی.
 - مشیری، رحیم (۱۳۸۰). جغرافیای کوچ‌نشینی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین

- کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- هاشمی زرج‌آباد، حسن (۱۳۹۱). گزارش بررسی سیستماتیک باستان‌شناختی بخش شوسف نه‌بندان. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی [چاپ نشده].
- ----- (۱۳۹۲). "معرفی و تحلیل سنگ‌نگاره‌های نویافته بخش شوسف نه‌بندان". فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان، سال هشتم، ش ۲، پیاپی ۳۰، (زمستان): ۱۶۱-۱۹۳.
- هال، جیمز (۱۳۹۰). فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.
- Alizadeh, A. (2004). "Mobile Pastoralism and Prehistoric Exchange". In: persiens antike pracht. Bochum: Bochum museum: 76-91.
- Hashemi Zarajabad, H.; Taghavi, A.; Farzin, S. (2013). "Investigation in Newly Recovered Reliefs From Nehbandan in The Province of Southern Khorasan". Europaen Journal of Scientific Research, Vol. 2, No. 4: 123-134.
- Moradi, H. & et al. (2013). "Study and Typological Comparison of Petroglyphs in the Marzbanik Valley, Baluchestan, Iran". Time And Mind: The Journal of Archaeology, Consiousness And Culture, Vol. 6, No. 3: 331-350.
- Vahdati, A. A. (2012). "A Preliminary Report on a newly discovered Petroglyphic Complex near Jorbat, the Plain of Jajarm, North-eastern Iran". Paleorient, Vol. 37, No. 2: 177-187.